



اصول انقلاب اسلامی

۳- دفاع همه جانبه از ارزشهای اسلامی و حزب الله:

کلیه افرادی که با روح سخنان حضرت امام قدس سره آشنائی دارند و با لحن پیامها و اعلامیه های معظم له سروکار داشتند و دارند، بخوبی میدانند ایشان در تمام حرکات و موضع گیریها و برنامه ها که القاء میفرمودند، چیزی را بعنوان اصل و محور میدانستند و حاضر نبودند در تحت هیچ شرایطی دژه ای از آن عدول نموده و یا در دفاع از آن کوتاه بیایند و با توجه به همان محور و اصل موضع گیری میفرمودند و در بیانیتهای آن تأکید و اصرار میورزیدند و در برخوردها در صورتیکه احساس مینمودند، بی توجهی و یا کم توجهی نسبت بآنها بعمل آمده است و یا ممکن است زمینه های کم توجهی و یا بی توجهی فراهم گردد، بطور جدی عکس العمل نشان میدادند و هشدار لازم را به مسئولان نظام می دادند برای اینکه متوجه خطرات این نوع برخوردها گردند و اعلام حمایت نموده و ملت را برای دفاع از حرمت چنین اصول و محورها دعوت میکردند.

از جمله این اصول که حالت پایه و محوری نسبت به بقیه مسایل داشته و بهیچ وجه از آن نمیشود عدول کرد و در تمام مسایل دیگر بنوعی باید اثرات و تجلیات خودش را نشان دهد دفاع همه جانبه از ارزشهای اسلامی و حرکتهای ارزشی و بالنتیجه از حرکتهای حزب الله در داخل و خارج کشور و در سراسر دنیا میباشد زیرا در سببیکه انقلاب اسلامی میآموزد غیر از این پیام دیگری نداشت در سببیکه نهفت اسلامی متکی ب ارزشهای الهی میآموزد غیر از این پیام دیگری نخواهد داشت. امامت اسلامی هم همین پیام را بسا میآموزد و تمام انقلابهای ارزشی و اسلامی همین را میآموزند. معنی و مفهوم انقلاب اسلامی و مکتبی همین است و دفاع از ارزشها و افراد ارزشمند و حزب الله در حقیقت در متن انقلاب اسلامی خوابیده و وظیفه هر انسانی است که تعهد مکتبی در مقابل این نوع ارزشها دارد و قربانیها و فداکاریها و زجرها و ستم کشیها و اهانتها و سرزنشها، همه و همه برای دفاع از این اصل و پایه بوده است اساساً دفاع از ارزشها و انسانهای ارزشی و حزب الله و انقلاب برای دفاع از اصالتها و حرمتها و ارزشهای انسانی الهی یک تکلیف است ولو اینکه در مقام عمل، آن نتیجه مورد انتظار بدست نیاید چون اصل انقلاب کردن و حرکت رهایی بخش محرومان و مستضعفان را پاره انداختن و مبارزه در مسیر نجات آنان با مستکبران جهان ولو اینکه دنیا لهش نشیجه مطلوب را همراه هم نداشته باشد، یک تکلیف الهی وجدانی است و بعنوان یک ارزش بالا مطرح است. امام «قدس سره» در موارد گوناگون در این باره با صراحت سخن گفته و فرموده است:

«راستی مگر فراموش کرده ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده ایم و نتیجه، فرع آن بوده است؟! ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود، و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم نریدند نمودند. آن ساعتی که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد باز به وظیفه خود عمل کرده است. آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟

باید برای رهايت چند لیبرال خود فروخته در اظهار نظرها و ابراز عقیده ها بگونه ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی عدول می کند.

تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی بدست نیاورده و یا ناموفق بوده است آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منحرفی شود؟ تا آخر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی شود که ما از اصول خود عدول کنیم، همه ما مأمور به اداء تکلیف و وظیفه ایم نه مأمور به نتیجه؛ اگر همه ارباب و معصومین علیهم السلام در زمان و مکان خود متکلف به نتیجه بودند هرگز نمی بایست از فضای بیشتر از توانائی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند، و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات فطاری آنان جامعه عمل نپوشیده است ذکری بهمان آورند. در حالیکه به لطف خداوند بزرگ ملت ما توانسته است در اکثر زمینه هایی که شمار داده است به موفقیت نایل شود».

این دید امام است و این شیوه ای است که امام «قدس سره» در حرکت موفق الهی خویش اتخاذ کرده و از پیروانش میخواهد اینگونه باشند و اینگونه فکر کنند و بیاندیشند و برای دفاع از ارزشهای الهی حرکت کنند و این حرکت را انجام وظیفه تلقی نمایند و بتوانند انجام وظیفه کارها را انجام و مسایل را تعقیب و دنبال نمایند و این یک اصل اساسی و انقلابی است و بر همه انقلابیون عالم لازم است با دید باز و بنا شرح صدر در این اصول دقت نمایند و در عمل از آن تبعیت کنند تا بتوانند یک انسان انقلابی و ارزشی در تمام صحنه های انقلاب ظاهر و آشکار گردند.

اگر دفاع از ارزشها و افراد ارزشی بعنوان یک اصل تلقی گردد و حالت پایه و محوری نسبت به مسایل دیگر داشته باشد و جهت گیریها با توجه بآن صورت پذیرد، ایجاد ارتباط و برقراری روابط و برخوردهای دیپلماتی با جهان خارج بطور دیگری منعکس شده و در شکل مخصوصی خود نمائی خواهد کرد و وقتی روی ایجاد روابط تکیه خواهد شد که تحقق آنها آسیمی با اصول و پایه های انقلاب وارد نسازد و با کشورهایانی رابطه برقرار خواهد شد که در سایه آن از ارزشها و اصول حمایت و دفاع صورت گرفته و بیشتر تثبیت و استقرار پیدا کند تا

اینکه بتزلزل و سستی آن اصول و ارزشها منتهی گردد. خدا نپاورد روزی را که افرادی یافته شوند و اینگونه بیاندهند و فکر کنند اصل ایجاد رابطه مهم است و لولاینکه منتهی به نابودی و متزلزل گشتن اصول زیادی از اسلام و انقلاب اسلامی گردد.

۴- اصل نه شرقی و نه غربی = اصالت مکتب اسلام

یکی از اصولیکه در قانون اساسی و در شعارهای مردمی و در سخنان حضرت امام قدس سره از ایهت و عظمت خاصی برخوردار است و قطعاً مخالفان اسلام نیز به بالعکس روی آن حساسیت منفی داشته با تصریح و تلویح ناراحتی خودشان را نسبت بآن ابراز کرده اند، اصل نه شرقی و نه غربی است این اصل نشاندنده هویت مستقل اسلامی است. این اصل نشان می دهد که انقلاب اسلامی امام (رض) نه تمایل بافکار و اندیشه های غربی دارد و نه تمایل به اندیشه های شرقی در مبانی و پایه های تحقق انقلاب اسلامی نه از اصول فکری سرمایه داری غربی تقلید و تبعیت بعمل آمده است و نه از اصول مارکسیستی شرقی پیروی شده است. مبانی فکری آن مستقل است و همچنان اهداف و آرمانهاییکه دنبالش مینماید از متن مکتب و ایدئولوژی اسلامی نشئت گرفته و گرایش نه به شرق و نه به غرب و اذتاب آنان ندارد. اگر با کشوری و یا با کشورهائی ارتباط دیپلماسی برقرار می نماید نه بخاطر دستور و تأمین مصالح غرب است و نه بخاطر تأمین شرق بلکه برای تأمین مصالح ملت خویش و احیاء ارزشهای مکتب انقلابی خود میباشد. امام «قدس سره» روی این اصل قاطع تر و صریح تکیه نموده و در موارد فراوانی آن را گوشزد می نماید گاهی چنین می فرماید:

«ما در جنگ ایهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم»^۱ گاهی می فرماید: «تامن هنم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد»^۲ در جای دیگر اینطور دارد: «همه اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت»^۳ در پیام فریاد برائت چنین می فرماید: «جمهوری اسلامی ایران مایل است بر اساس حفظ وحدت و حرمانیت از منافع کشورها و ملت های اسلامی آنان را در مشکلات باری نماید و در بروز حوادث تحمیلی، سیاسی و نظامی از ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و در جهت کنترل و نفی سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه ای دقیق و قوی ارائه دهد»^۴.

امام «قدس سره» شدیداً مصرعید و باور واقعی دارند که در سیاست خارجی و برخورد های دیپلماسی اصل نه شرقی و نه غربی طوری باید ساری و جاری گردد و همه مطالب و سخنان را تحت الشعاع خود قرار دهد. مسئولان نظام اسلامی باید بدانند آنان دشمنی دیرینه با اسلام و قرآن و مکتب الهی دارند و در راه امحاء و تضعیف آن از هیچ کوشش و تلاشی فرو گذاری نمی نمایند. اگر هویت نظام و انقلاب اسلامی سالم و ناب و دست نخورده بماند و عوامل التقاط شرقی و غربی و لیبرالیستی در آن نفوذ پیدا نکند و همچنین مادامیکه ماهیت استکبار جهانی و امپریالیستی چه شرقی و چه غربی آن، در همان وضعیت باقی است، امکان ندارد روحیه تفاهم و همکاری و هماهنگی بین آن برقرار گردد مگر اینکه یکی از آن دو طرف و یا هر دو طرف تغییر مسیر داده و هویت اصلی خودشان را از دست داده باشند چگونه امکان دارد آن نظامیکه اصالت را بسود و سرمایه و پول میدهد و انسان را ابزار و مانند برده در خدمت سود و سرمایه میداند با نظامیکه در

تمام جهات با این فکر متضاد است و سرمایه را در خدمت انسان میداند و انسان را در اقل برتر از عالم ماده و طبیعت میداند با هم آشتی داشته باشند.

چگونه امکان دارد مکتبی که انسان را موجود چند بعدی دانسته و دارای ابعاد بلند و والای الهی میداند و ارزشهای او را بصورت بی نهایت می بیند با آن مکتبی که انسان را موجود شهوانی و حیوانی و متعلق باین جهان دنی و پست میداند، آشتی نماید؟ مگر امکان دارد اسلام با کفر سازش کند، مگر امکان دارد ظالم و مظلوم در کنار هم قرار گیرند؟ مگر امکان دارد گریگ و میش یا هم باشند و آشتی نمایند هویت اینها هویت متضاد است. این یکی ناری و آن یکی نوری میباشد و نار و نوری با هم قابل جمع نمیشانند امام «قدس سره» در وصیت نامه سیاسی الهی باین معنی اشاره مینماید و میفرماید: «و ملت ما، بلکه ملت های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند درندگانی هستند که از هیچ جنابت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی شناسند و در رأس آنان آمریکا این ترورست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می شود که فلم ها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند و حباله ابلهانه اسرائیل بزرگ، آنان را به هر جنایتی می کشاند»^۵.

امام است اسلام «قدس سره» با این دید و عینک واقع بینانه و دورنگرانه حرکتها و برخوردها و موضع گیری های سران کشورهای غیر اسلامی و اسلامی را مورد مطالعه قرار داده و محک می نماید و در تجربه و آزمایش هم خوب و مثبت نتیجه گیری کرده و افراد را با آن محک مورد آزمایش قرار میدهد و خوب هم نتیجه می گیرد و با همان معیار بخوبی بدست می آید با کدام یک از کشورها باید روابط حسنه و دیپلماتیک برقرار کرد و کدام یک از سران کشورهای اسلامی مانند برده ها در مقابل سلطه قدرتهای بزرگ جهان مزدوری کرده و با کمال وقاحت حاضر است کشور و ذخایر کشورش را بفروشد و مهر نوکری و مزدوری بر پیشانی وی زده شود و کدام یک از کشورها هستند که از استقلال سیاسی نسبی برخوردارند و با اعتماد به ملت خویش در مقابل سلطه اجانب از خود شخصیت و کفایت و مقاومت نشان می دهند. در همین محک بوضوح بی شخصیتی و بی هویتی و مزدوری و دوره گردی افرادی مانند ملک حسین و ملک حسن و امثال آنان بر همگان واضح و آشکار میگردد و همچنین عظمت و شخصیت والای جوانها و مردان و زنان انقلابی حزب الله لبنان که با تکیه بر قدرت لایزال الهی و با روحیه شهادت طلبی توانسته اند ضربات کاری و مؤثری بر پیکر سلطه طلبیان عالم وارد سازند، نیز روشن و آشکار می گردد و این از افتخارات مکتب الهی و انقلاب مقدس اسلامی ما است: اینجا است که امام «قدس سره» معلم انقلاب اینطور می فرماید:

«ولت های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسن اردنی، این جنایت پیشه دوره گرد و حسن و حسنی مبارک هم آخو را اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به آمریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملت های خود روی گردان نیستند و ما مفتخریم که دشمن ما صدام علفی است که دوست و دشمن، او را به جنایتکاری و نفی حقوق بین المللی و حقوق بشر می شناسند و همه می دانند که خیانتکاری او به ملت عراق و شیخ نشینان خلیج، کمتر از خیانت به ملت ایران نباشد.»

۵- نحوه برخورد با رسانه های استعماری جهان

از جمله اصول و معیارهایی که معلم انقلاب اسلامی برای مسئولان و دست اندرکاران نظام اسلامی تعلیم می نماید و غفلت از آن را مضر و زیانبار برای دنیای اسلام و انقلاب اسلامی می داند و توجه بآن را موجب بیداری دنیای اسلام و انسجام و یکپارچگی و وحدت مسلمانیان عالم و عودت و بازگشت مجدد و عظمت مسلمین می شناسد. نوع نگرشی و برخورد فکری و عملی است با بلندگوهای استعماری جهان که بصورت های مختلف و گوناگون ملت و انقلاب اسلامی را مورد هجوم قرار داده و از تمام جوانب و اطراف برای شکست روحیه انقلابی و مقاومت ملت ها و ملت اسلامی ایران یورش آورده و با قلب حقایق می کوشند اذهان ساده و کم عمق را مسموم و آلوده نمایند و در این راستا از هر وسیله ممکن بهره برداری نموده و لحظه بلحظه بر هجسومات تبلیغی و فرهنگی خودشان می افزایند. امروز همه می دانند جنگ و تیرد تبلیغاتی میان قدرتهای استعماری و ابرقدرتهای چپاولگر با ملت های بیدار شده و مبارز بیشتر و گسترده تر از جنگ و تیرد نظامی و تسلیحاتی است و سرمایه گذاری های کلانی که برای چیره شدن تبلیغی و فرهنگی بر حریفان مظلوم و مستضعف و محرومان عالم می نمایند، قابل مقایسه با سرمایه گذاری در تیرد های نظامی بوده و در مواردی رقمها بسیار زیادت و درشت تر می باشد زیرا موفقیت های نظامی دوام و ثباتش در گرو موفقیت های تبلیغاتی بوده و با هجوم تبلیغاتی می توانند در نوع افرادی که از مسائل پیچیده سیاسی دنیا آگاه نیستند و شگروه های موزیانه و مرموزانه آنان را نمی دانند و از ذهنیت ساده و دست نخورده برخوردار هستند، تأثیر گذاشته و مدت های طولانی بر آنان حکمرانی نموده و با همین زمینه بر خیزات و غارتگری خودشان ادامه دهند و نقش رسانه های گروهی عالم در تثبیت پایه های حکومت حاکمان زور و صاحبان زر و زور و تزویر بر کسی پوشیده نیست و نقش رسانه های گروهی در زینا و خوب و ذبیح نشان دادن حرکت هایی که ضد مردمی بوده و مخالف آزادی های مشروع و بحق ملت ها است و از سرتا پا ظلم و ستم و قلدری و زشتی است، بر کسی پوشیده نیست. ملت مظلوم فلسطین را آوار می سازند و از خانه و آکاشانه شان بیرون می نمایند و اطفال معصوم و بیگناه آنان را می کشند و رسانه های گروهی در سراسر عالم طوری جورا مسموم و آلوده می سازند بچاهی اینکه فشار روانی و مردمی بر اسرائیل غاصب وارد گردد بکس فشارها را متوجه مظلومان فلسطین می نمایند. مردم پاناما از ظلم و فشار آمریکا به تنگ می آیند و با تمام وجود فشار و لگندمال شدن زیر چکمه های کماندوها و مزدوران آمریکائی را لمس نموده و می خواهند بخود آیند و روی پای خودشان بایستند و از ابتدائی ترین حق انسانی و بشری که آزادی سیاسی است استفاده نمایند، نیروهای نظامی آمریکا با کمال پرروئی یورش برده و کودتا میکنند و با زور و قلدری در سرنوشته دیگران اعمال قدرت و دخالت نموده و برای دستگیری و دست یابی بآنانی که در بیداری و حرکت مردمی نقش داشتند، جایزه چندین میلیون دلاری معین می نمایند و این حرکت زشت و پلید و زورگو یانه و قلدرانه خودشان را در معرض افکار عمومی بصورت مشروع و حق جلوه می دهند و لشکر کشی هایی که در سراسر دنیا برای سرکوب ملت ها و حرکت های مردمی می نمایند و هیچ عاقلی در بطلان و نادرستی آن نوع حرکت ها بخود تردید نمی دهد، از طریق همین رسانه ها بصورت اقدام های مشروع و درست و صلح طلبانه و خیر خواهانه بخورد مردم می دهند. اگر چه

نوعاً مردم در اثر رشد سیاسی که پیدا کرده اند و دروغهایی که از آنان شنیده و دیده اند به این زودیها باور نمی کنند ولیکن تأثیر تبلیغات در اذهان عامه و توده مردم بر کسی پوشیده و پنهان نمی باشد و با کمال تأسف، رسانه های آنان این نقش را دارند ایفاء می نمایند بجای اینکه بلندگوی مردم و مدافع خواسته های مشروع آنان باشند، بلندگو و سخن گوی قدرتها و حکومتها و صاحبان زر و زورند و هر چه دامت این رسانه ها گسترده تر گردد این نوع خطرات و زیانها بیشتر و وسیع تر خواهد بود.

در دنیای امروز رسانه های گروهی بلندگوی استعمار و استشارت و برای توجیه خیانتها و جنایات واقع شده مورد بهره برداری واقع می شوند و از آنها برای تخدیر افکار و وارونه جلوه دادن حرکت های مردمی و رهائی بخش بهره برداری میشود و این یک معیار است و باید بعنوان یک اصل در سیاست گذاری و روابط بین المللی ملحوظ گردد و هر چه فشار آنها بر انقلاب مقدس ما و بر هر حرکت درست و مردمی بیشتر باشد، همان اندازه باید مسئولان سیاسی در مواقع اصولی و سیاسی خودشان پافشاری نموده و از خودشان صلابت و قاطعیت و ایستادگی نشان دهند.

هجوم آنان بر اصولی ترین مواضع ما نشاتگر مردمی بودن و حقانیت مواضع و حرکت مردم ما است. هر چه آنان بیشتر انقلاب اسلامی را هدف آماج تیرهای تبلیغاتی خودشان قرار دهند، نشان دهنده آن است که بیشتر احساس نگرانی و خطر از انقلاب و حرکت های انقلابی و ایستادگی در سر مواضع اصولی نموده اند و متافعشان برادر حال تزلزل و از بین رفتن می بینند، بنابراین در دید حضرت امام «قدس سره الشریف» یکی از معیارها و اصولی که همیشه باید مدنظر قرار گیرد و به هیچ وجه از آن نباید عدول شود و در سیاست خارجی در تمام برخوردها ملاحظه شود، توجه عمیق و با مطالعه بنوع برخوردهای رسانه های گروهی دنیا است که عمدتاً رسانه های دولتهای سلطه طلب و زورگو و غارتگر و استعماری می باشند و هر چه در دید و نظر آنها تأمین کننده مصالح ملت ها بحساب آید، باید در آن تردید نمود و در حقانیت آن شک کرد و مطمئناً آنها قبل از آنکه در فکر مردم و در صدد تأمین مصالح مردمی باشند، در صدد تأمین منافع قدرتهای بزرگ و حاکمیت های جور و ظلم و ستم هستند و همین که آنها روی چیزی اصرار دارند و می خواهند اذهان را مهیا و آماده سازند تا عامه حالت پذیرش آن را در یابد، دلیل است بر اینکه مصالح مردم در بین نبوده و مصالح قدرتهای استعماری در بین بوده است. نه تنها موافقت آنها دلیل درستی و حقانیت هیچ حرکتی نمی باشد بلکه موجب تردید و مشکوک شدن نیز می باشد.

دلیل حقانیت انقلاب

امروز یکی از شواهد و دلایل حقانیت و مردمی بودن انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی همین مخالفت های قدرتهای بزرگ است و به همین دلیل که تحلیل گران غربی و شرقی می کوشند چهره انقلاب اسلامی را تاریک و نظام را غیر موفق معرفی نمایند. معلوم است که انقلاب، مردمی و موفق بوده و آنها برای اینکه جلوه نفوذ آن را بگیرند باین طرفتها چنگ زده و با بافتن این نوع مطالب سدها و مواعین را در سرازه این حرکت عظیم مردمی ایجاد می نمایند. هر چه اینها مخالفت کنند ما باید بر صلابت و قاطعیت انقلابیمان بیفزاییم. و

خدا نیاورد روزی را که قدرتهای بزرگ و رسانه های گروهی آنان، از مسئولان و دست اندرکاران نظام و انقلابمان تعریف نمایند و زبان بمدح و ثنا بکشایند و نوعی آرامش نسبت بانقلاب و مردم انقلابی در سراسر جهان را داشته باشند؛ اگر چنین روزی برای ما و انقلاب اسلامی ما پیش آید آنروز روز پایانی عمر نورانی انقلاب و در حقیقت روز تغییر و عوض شدن ماهیت انقلاب اسلامی است. مادامی که ماهیت انقلاب ما اسلامی است و روی ارزشهای الهی و خونین شهیدان راه فضیلت متکی است و دشمنان ما روحیه سلطه طلبی و امپریالیستی دارند و ذاتاً با اسلام و ولایت الهی تضاد و درگیری دارند و حیات و عزت خودشان را در غارت و چپاولگری ذخایر دیگران می دانند و سیادت مزورانه خودشان را می خواهند بر جهان سوم اعمال نمایند، چگونه امکان دارد آنان رسانه هایشان از ما و مسئولان ما و از انقلاب اسلامی مدح و ثنا بگویند؛ مگر بفرض مجال آنان تغییر ماهیت بیابند و یا خدای نخواستہ ما از اصول و مواضع اصولی انقلاب اسلامیمان عدول نمائیم. پس مخالفت قدرتهای بزرگ و رسانه های گروهی آنان و در رأس آنها آمریکای غارتگر، نه تنها دلیل برضعف ما و انقلاب اسلامی نمی باشد بلکه دلیل قوی و محکمی است برحقانیت و درستی این حرکت و نگرانی آنان و هجوم فرهنگی و تبلیغاتی غرب و شرق برای همین است که نگذارند الگوی انقلاب بدینا آنگور که زیبا و موفق است معرفی شود و آنان بتوانند چند صباحی بحکومت ظالمانه خود ادامه دهند.

امام عظیم امت اسلام «قدس سره» بنظایشان چنین ادامه میدهند: «و ما و ملت های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه های گروهی و دستگاه های تبلیغاتی جهانی، ما و همه مظلومان جهان را به هر جنسایت و حیسانستی که ابرقدرتهای جنایتکار دستور میدهند، منعم می کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه آمریکا با همه ادعاهایش و همه سازو برگهای جنگیش و آن همه دولتهای سرسپرده اش و بدست داشتن ثروتهای بی پایان ملت های مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء، آن چنان وامانده و رسوا شده است که نمی داند به که متوسل شود و رویه هر کس می کند، جواب رد می شنود و این نیست جز به مدد های غیبی حضرت باری تعالی جلّت عظمت که مقتها را به ویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاهی به نور اسلام هدایت نموده، من اکنون به ملت های شریف ستم دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می کنم که از این راه منقسم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است، محکم و استوار و منتهد و پایدار پای بند بوده و لحظه ای از شکر این نعمت غفلت نکرده و دستهای ناباک عمال ابرقدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدرت از خارجی، تزلزلی در نسبت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکنند و بدانند که هر چه رسانه های گروهی عالم و قدرتهای شیطان غرب و شرق اشتمل می زند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد!».

سپس حضرت امام قدس سره به دو اسم از اسماء حسنی الهی که از شئون علم غیرمتناهی و قدرت لایزال او است، تبرک جسته و برای مستجاب شدن دعا پیش که قدرت مند شدن دنیای اسلام و بازگشت مجد و عظمت مسلمین و بسزا رسیدن ظالمان و مستکبران عالم می باشد، از آن دو اسم مبارک مدد می جوید و چنین میفرماید: «ایه ولی التعم و بیده ملکوت کل شیء».

آری، او ولی و صاحب اختیار هر نوع نعمتها و عطاها است و او است که عزت می بخشد و او است که ذلت می دهد. عزت به کسانی که در صراط عبودیت و بندگی قدم گذاشته و بحرکت در آیند و ذلت به آنانی که در مقابل سنن لاینغیر او بایستند و بمقابله برخیزند و ملکوت عالم و قدرتهای بی پایان عالم وجود از تجلیات و شئون قدرت مطلقه حق او است. بامید اینکه ملتها بخود آیند و رمز حرکت های موفق الهی را دریابند و با استمداد از قدرت مطلقه حضرت حق به پیش روند و زمیسه های سقوط و نابودی اباطیل را فراهم سازند و شرایط را برای حاکمیت صالحان و مؤمنان و گسترش دولت حق علوی (ع) و مهدوی (عج) مهیا و آماده نمایند.

حضرت امام «قدس سره» به این اصول نه تنها در وصیت نامه سیاسی الهی تکیه فرموده اند که در هر فرصت مناسبی نظرات بکر و مجتهدانه خودشان را در تبیین اصول ناب اسلام محمّدی ابراز و امت اسلامی را از افکار بلند خویش که قرن ها زیر پرده های جهالت و تحجر پنهان بود، برخوردار می ساختند و یکی از وظایف بسیار سنگین علمای اسلام و روحانیت دنیای اسلام را همین معنایند و عقیده دارند آنان نیز هرجا که موقعیت را مناسب دیدند و شرایط را برای بازگو کردن حقایق اسلامی مساعد یافتند از آن فرصتها استفاده کرده و بتشریح معارف و اصول اسلامی بپردازند و در فریاد برائت که در مرداد ۱۳۶۶ به حجاج بیت الله الحرام فرستادند، اینطور میفرماید:

«و یکی از مسایل بسیار مهمی که بعهده علماء و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحطف اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست های اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است».

در جای دیگر اینطور میفرماید:

«خدا تبار و آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن بدفاع از محرومین و رو آوردن و حمایت از سرمایه دار ها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست. دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است و تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور ما و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابرهنگان برخاسته اند و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده اند، از آنجا که محرومیت زدائی عقیده و راه و رسم زندگی ماست جهان خواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته اند، و برای ناتوان ساختن دولت و دست اندرکاران کشور ما حلقه های محاصره را تنگ تر کرده اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی و اقتصادی ظاهر ساخته اند و بدون شک جهان خواران به همان میزان که از شهادت طلسمی و سایر ارزشهای ایتار گرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام بطرف حمایت از پابرهنگان در هر اسند و مسلم هر قدر کشور ما بطرف فقرزدائی و دفاع از محرومان حرکت کند امید جهان خواران از ما منقطع و گرایش ملت های جهان باسلام زیادتر می شود».

۱-۳-۲۰۱- پیام مهم حضرت امام قدس سره به روحانیون سراسر کشور در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۳
 ۵- فریاد برائت- مرداد سال ۱۳۶۶
 ۶- وصیت نامه الهی سیاسی حضرت امام «قدس سره»